



اهمیت پرداختن به فرهنگ عامیانه‌ی مردم ایران در سینمای مستند

کشور تضمین می‌کند. حتی در این دوران هم شاهد هستیم که این سینمای مستند و کوتاه کشورمان است که در بسیاری از جشنواره‌های جهانی نام ایران را بر سر زبان‌ها می‌آورد ... پس باید بگوییم سینمای ایران هنوز زنده است و حتماً بخش مهم و ارزشمند این حیات را سینمای مستند و کوتاه به سینمای ایران هدیه داده است. اما امروز که فیلم‌های مستند و کوتاه یا تجربی مخاطب جهانی فراوانی در دنیا دارد، در کشور ما می‌تواند به فرهنگ عامیانه‌ی مردمی توجه بیش‌تری نشان دهد. در سینمای مستند ما اهمیت پرداختن به موضوعات فرهنگی ایرانی و عامیانه بیش‌تر از سینمای کوتاه مورد توجه مستندسازان قرار گرفته، اما شاید هنوز کارهای مهم و اساسی انجام نشده و هزاران ایده و موضوع جذاب ایرانی که به فرهنگ عامیانه‌ی مردمی و میراث فرهنگی و معنوی ایرانیان مربوط می‌شود به‌درستی دیده نشده و در جهت ثبت و ماندگار کردن آن حرکت جمعی صورت نگرفته است. با مرور و مطالعه بر فیلم‌های تولیدشده‌ی سینمای مستند و کوتاه ایران در دهه‌های اخیر درمی‌یابیم که فیلمسازان علاقه‌مندی بیش‌تری برای پرداختن به موضوعات فرهنگ عامیانه‌ی مردمی داشتند، جالب است بدانیم این آثار در بیش‌تر جشنواره‌های جهانی دوران خود حضوری موفق داشته و برای سینمای ایران افتخارآفرین بوده‌اند. اما امروز در کم‌تر فیلم مستند و کوتاه آن علاقه و اشتیاق به تصویر کشیدن موضوعات بومی و عامیانه‌ی مردمی به چشم می‌خورد!؟

میراث معنوی

شاید عده‌یی فکر می‌کنند پرداختن به موضوعات کهن، اقتباس کردن از ادبیات مکتوب و شفاهی و یا پرداختن به مسایل فرهنگ عامیانه‌ی مردمی و میراث معنوی برای مخاطب امروز یا نسل جدید جذابیتی نداشته و ممکن است مورد استقبال قرار نگیرد؟! و یا شاید بودجه‌های تولیدی تأمین‌کننده‌ی تحقیق، پژوهش و تولید این آثار نیست؟! اما در هر صورت پرداختن به موضوعات فرهنگی و مردمی می‌تواند ما را با ریشه‌های تاریخی‌مان پیوند زده و آشنا کند و مخاطب داخلی با آن ارتباط روحی و حسی برقرار می‌کند، نسل‌های گذشته خاطراتشان را با دیدن رویدادهای فرهنگی هنری، ملی و مذهبی دوباره زنده می‌کنند، نسل جوان و جوان‌تر با گذشته‌ی خود و ریشه‌های فرهنگی تاریخی خود و کشورش آشنا می‌شود و ... مخاطبان خارجی حال چه روشنفکران باشند یا چه عوام با تمدن، فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های مردمی، رویدادهای ملی و مذهبی، اعتقادات مردمی، نوع زندگی، آداب و رسوم و هنرهای ملت ما آشنا می‌شوند و در این‌جا سینما، خارج از تولید محصولی برای سرگرمی و یا خلق اثری هنری به صادرات فرهنگ و هنر، تمدن و باورهای مردمی یک کشور به دیگر ملت‌ها پرداخته و در راه حفظ و ثبت فرهنگ عامیانه‌ی مردمی نیز گام برداشته است. شاید یکی دیگر از دلایلی که فیلمسازان کم‌تر به سمت این نوع موضوعات می‌روند، عدم شناخت از گستردگی فرهنگ عامیانه‌ی مردمی و جهان‌بینی

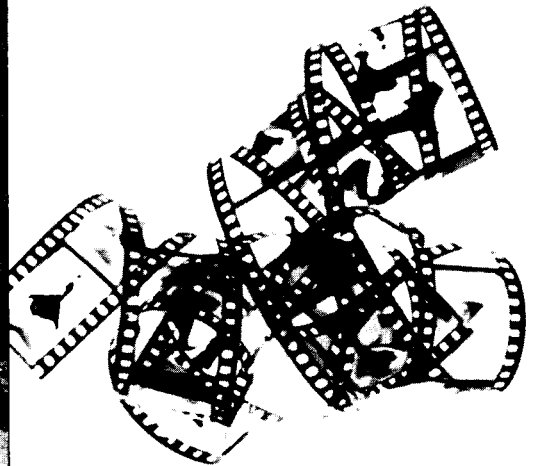
این یادداشت تقدیم می‌شود به:

فرهاد و راهرام و منوچهر طیب‌اب برای مستندها و پژوهش‌هایشان



هادی آفریده

داستان‌های محلی، قصص کهن، افسانه‌های تخیلی، ترانه‌های محلی (از هر نوع)، لهجه و گویش‌های محلی، امثال و ضرب‌المثل‌ها، اعتقادات مذهبی و دینی، بازی‌ها و جشن‌های محلی و ملی، خرافات، باورها و اسطوره‌های ایرانی، ورزش‌های کهن باستانی و ... همه‌ی این‌ها فرهنگ عامیانه و میراث معنوی ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. در حقیقت ایران کشوری بزرگ و دریایی بیکران از گوناگونی قومیت‌ها و فرهنگ‌های کهن است. «صادق هدایت» در جمع‌بندی تحقیقات گوناگونی که درباره‌ی فرهنگ عامیانه‌ی مردم ایران گردآوری کرده، می‌گوید: «ایران کشوری سرشار از منابع گوناگون ادبی کهن، مذاهب مختلف، هنرها و فرهنگ غنی عامیانه‌ی مردمی که به جرئت می‌توانم اعلام کنم در هیچ کشوری این تنوع قومی و فرهنگی در یک جا گرد هم نیامده است ...» اما امروز باید هشدار داد که اگر این گوناگونی و تنوع فرهنگی و میراث معنوی که در کشور وجود دارد ثبت، ضبط و جمع‌آوری نشود، دیری نخواهد گذشت که از میان برود. در ایران امروز اعلام می‌شود که بیش از ۳۰۰۰ فیلم کوتاه و مستند در سال تولید می‌شود، همه شگفت‌زده می‌شوند چرا که این آمار تولید فیلم کوتاه و مستند عددی است که در سینمای هلند یا فرانسه که مهد و مرکز تولید فیلم‌های مستند و کوتاه در اروپا هستند نیز به چشم نمی‌خورد! این همه پتانسیل و نیروی جوان خلاق در سینمای ایران اتفاقات خوبی را برای آینده‌ی سینمای



که سینه به سینه در طول شاید هزاران سال حفظ شده است و اما مثل‌ها و پندهای پارسی شاید گرانباترین و زنده‌ترین نمونه‌ی ادبیات و نثر پارسی است که ما را با قومیت‌های گوناگون آشنا می‌کند. خیلی وقت‌ها در این پندها و مثل‌ها شما با جذاب‌ترین ایده‌ها و اتفاقات دراماتیک نمایشی که جنبه‌ی تصویرسازی قوی دارند آشنا می‌شوید و ... سراغ گرفتن و یافتن قدیمی‌ترها یا ریش‌سپیدان محلات را فراموش نکنید. آنان زنان و مردانی گمنام هستند که من نام کتابخانه‌های سیار را بر آن‌ها گذاشته‌ام، باید از اطلاعات فراوانشان درباره‌ی شناخت از موضوعاتی که در کتابخانه‌ها و آرشیوها ثبت نشده استفاده کرد و شاید خود آن افراد بعداً بخش مهمی از موضوع فیلم شما باشند! و ... صدها راه و روش دیگر که در این مجال اندک بیان کردن آن نمی‌گنجد ...

کشف‌ها و شیوه‌ها

در راه تحقیق کردن غالباً برای خودمان به کشف‌ها و شیوه‌هایی دست خواهیم یافت که دیگران آن را تجربه نکرده‌اند؛ باید باهوش باشیم تا شیوه‌ی خودمان را در راه تحقیق پیدا کنیم تا زودتر به نتیجه‌ی دلخواه برسیم. همه‌ی این تلاش‌ها خارج از تولید فیلمی جذاب که اگر فیلمساز بتواند جذابیت‌های مختلف فرهنگ عامیانه‌ی مردمی را به شکلی دراماتیک و با جاذبه‌های بصری به تصویر بکشد گامی بزرگ و تلاشی بزرگ‌تر است برای حفظ داشته‌های فرهنگی‌مان و آغازی‌ست که فرهنگ و تمدن غنی و باورهای مردمی را گردگیری کنیم و با زبانی نو به نسل‌های آینده نشان دهیم. تلاش امروز ما در این راه تنها کاری است که می‌توانیم برای پر کردن آرشیوهای پر از خالی‌مان انجام دهیم. اگر در طول سال این ۳۰۰۰ فیلمساز ایرانی هر کدام فقط یک فیلم ۵ دقیقه‌ی از فرهنگ عامیانه و میراث معنوی‌مان که در حال فراموشی است، تولید کنند، سالی چندین هزار دقیقه فیلم ایرانی از جای‌جای شناخته‌شده و ناشناخته‌ی ایران خواهیم داشت که جهانیان را مبهورت فرهنگ و تمدنمان خواهد کرد. لازم نیست منتظر از راه رسیدن بودجه‌های دولتی و یا خصوصی بمانیم و یا در روزنامه‌ها به دنبال فراخوان جشنواره‌های موضوعی تک‌دوره‌ی بگردیم ... وقت تنگ است؛ به قدیمی‌ترها و ریش‌سپیدانی فکر کنید که آخرین دقیقه‌های زندگی‌شان را سپری می‌کنند، این جاست که باید از دوربین‌های دیجیتال کمک بگیریم و بگوییم یک دو سه حرکت ... ■

محدودشان است و البته که این مشکل را می‌توان با پشتکار، پژوهش و تربیت بهتر دیدن پیرامونمان برطرف کرد. بهتر است زمانی برای تولید فیلم‌هایی از این قبیل کار را آغاز کنیم که به شناخت کاملی از موضوعات مورد نظر رسیده باشیم. نداشتن اطلاعات کافی می‌تواند بسیار خطرناک باشد و یک اشتباه کوچک در تولید فیلم‌هایی که قرار است به ثبت و ضبط مسایل فرهنگی و ملی ما بپردازد در تاریخ تصویری کشور ناخواسته ثبت می‌شود و یادگارهای ناقصی از آن موضوعات به آرشیوها و نسل‌های آینده سپرده می‌شود. شاید چند مثال مختصری که در ادامه می‌خوانید کلبه‌هایی باشند برای کشف و شناسایی خرده‌فرهنگ‌های مردمی و کشف میراث‌های معنوی کشورمان و سرفصل‌هایی برای آغاز تحقیقات و پژوهش‌های بسیار وسیع که لازمه‌ی تولید این گونه فیلم‌هاست ...

در هر کجا که زندگی می‌کنید تاریخچه‌ی محل سکونت‌تان را مطالعه کنید، شاید یکی از آن کوزه‌های پر از سکه‌ی طلا و آن جانوران عجیب و غریب افسانه‌ها زیر خانه‌ی شما مدفون شده باشند! به دوستان و آشناهایتان بسپارید اگر اطلاعاتی از افسانه‌ها، قصه‌ها، پندها، ترانه‌های محلی و موسیقی، امثال و مثل‌ها، آیین‌های مردمی ملی یا مذهبی، آثار تاریخی، بازی‌های نمایشی، ورزش‌های کهن محلی، خرافات و هر آن چه که مرتبط به فرهنگ عامیانه و میراث معنوی ناحیه‌ی محل سکونتشان می‌شود، دارند، شما را از آن موضوعات باخبر کنند.

صادق هدایت عوامل اساسی برای آغاز یک پژوهش صحیح را این‌گونه اعلام می‌کند: «برای کاوش فرهنگ عامیانه‌ی یک منطقه یا یک موضوع مثل یک پژوهشگر حرفه‌ی عمل کنید، کلبه‌ی عواملی که در زندگی بشر در جریان هستند چون عوامل اقتصادی و مادی، کار، زبان بومی، دانش و آگاهی عوام، هنرهای محلی، جادوگری، زندگی اجتماعی و خانوادگی و غیره باید تفکیک شوند». کار همیشه از مشاهده آغاز می‌شود؛ از کنار هیچ چیز نباید به‌سادگی گذشت هر اتفاقی می‌تواند کلبه‌ی باشد برای باز کردن قفل‌های بعدی ... مثلاً ترانه‌های مردمی را خوب گوش دهید؛ در آن ترانه‌ها می‌توانیم با تاریخ و تمدن یک ناحیه آشنا شویم. خیلی وقت‌ها پشت این آوازها و ترانه‌های کوچک و بازاری مردمی داستان‌های کوچک و بزرگی اتفاق افتاده که جنبه‌ی دراماتیک قوی دارند و می‌تواند ملات خوبی برای نویسنده یا فیلمساز باشد. این ترانه‌های عامیانه را باید هنر و نبوغ ساده‌ترین طبقات مردمی دانست